

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۲۶ مارچ ۲۰۱۷

تفسیر احمد- ۳۴

ترجمه و تفسیر سوره «الفلق»- ۳

خیر و شر :

کلمه «خیر» از ریشه لغوی «خ ی ر» به معنای آنچه که در او نفع و خوبی و صلاح است، می باشد و دارای مصادیق متعددی است ، مثل، مال ، علم نافع و ... و گفته اند خیر، مقابل شر است و در او نوعی تفضیل و برتری دادن، نیز وجود دارد (لسان العرب، جلد ۴، صفحه ۲۶۴؛ کتاب العین، جلد ۴، صفحه ۲۶۴)

در معجم المصطلحات، جلد ۲، صفحه ۶۶، در باره خیر می نویسد:

الخیر : ما فيه نفع و صلاح، و هو ضد الشر، فالمال خیر، و الخیل خیر، و العلم النافع خیر، و فی التنزیل العزیز: بیدک الخیر إنک علی کل شیء قدیر (سورة آل عمران، الآية ۲۶). و قوله تعالی: فقال إني أحببت حب الخیر عن ذکر ربی. (سورة صفحه، الآية ۳۲).

تعریف و تفسیر خیر و شر از دید یک شخصی معتقد به مبدأ و معاد این است که هر چه مایه تکامل بشر و سوق او به طرف الله شود خیر و هر چه باعث تنزل و انحطاط و دوری از الله شود، شرّ است. هر کمالی خیر و هر عدم کمالی شرّ است.

راغب اصفهانی در مورد خیر و شر می نویسد :

خیر در لغت به معنای چیزی است که هر کس به آن رغبت پیدا می کند. در مقابل، شر به معنای چیزی آمده است که هر کس از آن اعراض و نفرت دارد: «الخیر ما یرغب فیه الكل، کالعقل مثلاً و العدال و الفضل و الشیء النافع و ضده الشر». (راغب اصفهانی، مفردات، صفحه ۱۹۰)

«الشر الذي یرغب عنه الكل، كما ان الخیر هو الذي یرغب فیه الكل». (راغب اصفهانی، مفردات، صفحه ۱۵۷)
قرآن عظیم الشان در آیه (سوره بقره) می فرماید: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره البقره: آیه ۲۱۶).

در بسیاری از اوضاع و احوال انسان چیزی برای خود می‌پسندد و طلب آن را در دل می‌پروراند و آرزو دارد که آن را به دست هم بیاورد، در حالی که آن چیز بر ضررش تمام می‌شود. و در بسیاری از اوضاع و احوال انسان از چیزی بدش می‌آید و یا از آن بد می‌برد، در حالی که آن چیز به خیر و منفعتش تمام می‌شود.

خواننده محترم!

- خیر و شر رویدادها و اتفاقات زندگی ما است و محسوس ظاهری نیست بلکه ممکن است چیزی دارای خیر ظاهری باشد در حالی که باطنش آغشته به شر باشد و یا به عکس آن.
- پروردگار با عظمت ما، به ما انسانها می‌آموزاند که انسانها در فهم خیر و شر باید تعمق بیشتر به خرج دهیم، و به ظاهر اشیاء دل خود را خوش نسازیم.
- در همه امور و روزگار زندگی خود را به الله بسپاریم و با تمام قوت باید معتقد باشیم که تنها اوست که به خیر و شر حقیقی امور آگاه است و او جز خیر برای بنده اش چیزی دیگری نمی‌خواهد.
- در آیه متبرکه برای ما انسانها می‌آموزاند و هدایت می‌کند که با یک خیر کوچک نباید چنان مغرور شد که خود را کم کنیم و با یک شر و یا یک مشکل نباید چنان غمگین و متأثر شویم، باید در هر دو حالات شکرگزار الله باشیم و با اعتقاد راسخ باید بگوئیم خیر و شیر از جانب الله است، او ذاتی است که بهتر می‌فهمد و ما از عواقب امور نا آگاه هستیم.

یادداشت:

اساساً شر در مقابل خیر است و طوری که در فوق متذکر شدیم: خیر در مورد ما انسانها به چیزی گفته می‌شود که با وجود ما و خواست ما هماهنگ و موافق بوده باشد و آن موجب پیشرفت و تکامل واقعی ما قرار گیرد و شر چیزی است که با وجود و خواست ما موافق و ناهماهنگ باشد و موجب عقب ماندگی و انحطاط اصلی ما گردد.

علماء خیر و شر را بر سه گونه تقسیم می‌نمایند:

- ۱- خیر مطلق که هیچ گونه بدی در آن وجود نداشته باشد. مانند ذات پروردگار با عظمت ما که خیر مطلق است.
- ۲- شر مطلق آنست هیچ گونه نقطه مثبتی در آن وجود نداشته باشد. که چنین چیزی اصلاً نمی‌تواند در دار هستی وجود داشته باشد.
- ۳- خیر و شر نسبی که بین دو قسم بالا است.

خیر و شر از جانب الله است؟

مسئله خیر و شر یکی از بحث های مهم فلسفی و کلامی بوده و علماء خیر و شر را بر سه نوع تقسیم نموده اند:

- خیر مطلق،

- شر مطلق،

- خیر و شر نسبی.

خیر مطلق آن است که هیچ جنبه منفی نداشته باشد.

و شر مطلق عکس آن است، یعنی هیچ جنبه مثبتی در آن وجود ندارد،

و خیر و شر نسبی بین آن دو است.

از دیدگاه يك موحد و خداپرست ، از این اقسام که بر شمرديم ، دو قسم امکان وجود دارد:
یکی خیر محض و دیگری آنچه خیرش بیشتر است ، اما آنچه شر محض یا شرش بیشتر از خیر باشد، امکان وجود آن از سوی پروردگار با عظمت ما نیست ، چون پروردگار ماحکیم است و از حکیم ، کار قبیح تحقق پیدا نمی کند. معروف میان فلاسفه و دانشمندان این است که شر در تحلیل نهائی بازگشت به امر عدمی می کند و امر وجودی که سرچشمه آن عدم است.

الله متعال خالق همه چیز است، چه خیر باشد و چه شر فقط الله است آن را می آفریند و تا اراده نکند نه خیری به ما می رسد و نه شری، پس الله متعال خالق همه چیز است، چنان که می فرماید: « قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ » (سوره رد ۱۶). یعنی: بگو: «خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز».

خیر و شر هر دو مخلوق خدایند، با این وجود الله متعال از شر و گناه خشنود نیست، چنان که می فرماید: « إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَاهُ لَكُمْ » (سوره زمر ۷). یعنی: «اگر کفر ورزید، بدانید که خدا از شما بی نیاز است» یعنی: حق تعالی از ایمان و عمل شما بی نیاز است و این شما هستید که به او نیازمندید زیرا شما هستید که از کفر، زیان و از ایمان نفع می برید. «ولی» حق تعالی «برای بندگانش کفر را نمی پسندد» لذا به کفر امر هم نمی کند، هر چند که همه چیز به اراده اوست و خواسته شما نافذ نیست مگر در صورتی که خدا خود بخواهد پس مشیت پروردگار با عظمت چیزی است و پسند و محبت و امر وی چیز دیگری «و اگر سپاس دارید» با ایمان، عبادت و عمل صالح «آن را برای شما می پسندد» دلیل این که حق تعالی شکر و سپاس را برای بندگان خویش می پسندد، این است که: شکر سبب سعادت و خوشبختی آنها در دنیا و آخرت است. الله خیر را می آفریند و برای کسی که آن را بطلبد راضی و خشنود است و او تعالی شر را می آفریند، ولی برای کسی که آن را بطلبد راضی و خشنود نیست.

پس درست است که الله متعال آفریننده و خالق شر است، اما اعمال او تعالی شر نیستند، به عبارتی از اعمال الهی شری صادر نمی شود و مرتکب شر نمی شود بلکه بندگانش مرتکب آن می شوند یعنی با اعمالشان آن را کسب می کنند، و از آنجائی که سنت الهی بر آنست که انسانها در میدان آزمایش قرار بگیرند و اختیار داشته باشند تا راه شر و یا خیر را بیمایند، ممکن است کسانی به اختیار خویش شر را بطلبند و الله متعال است که آن عمل (شر) را برایشان می آفریند ولی آنها هستند که شر را کسب کردند و الله متعال به عمل آنها راضی و خشنود نیست، اما سنت او مبنی بر مختار بودن انسانها مقتضی آنست که شر و خیر را برای بندگانش بیافریند تا در انتخاب آزاد باشند. و این که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ »، علامه البانی رحمة الله در کتاب « صفة الصلاة » چنین توضیح می دهد: « یعنی آنکه شر به خدای متعال نسبت داده نمی شود، چون شر، از اعمال او نیست، بلکه تمامی کارهای او خیر است، چرا که کارهای وی حول محور عدل و فضل و حکمت می چرخد. او خیر است و شری در او نیست. شر بدان جهت شر است که انتساب آن از پروردگار با عظمت ما قطع شده است.

این قیم گوید: آفریننده حقیقی خیر و شر خداست. شر در بعضی از مخلوقات خداست نه در آفرینش و فعل او. بنابراین وی پاک و منزّه است از ظلمی که حقیقت آن، نهادن چیزی است در غیر محل خود. پروردگار ما اشیاء را جز در مواضع شایسته شان نمی گذارد که همه اینها خیر است.

شر عبارت است از گذاشتن چیزی در غیر محلش. پس از آنجا که وضع در محل خود، شر نیست دانسته شد که شر نمی تواند به وی منسوب باشد... چنانچه کسی تشکیک کند که چرا پروردگار ما چیزی را در حالی که شر است آفرید؟ جواب این است که: آفریدن شر و فعل آفریدن شر، خیر است نه شر. زیرا خلق و فعل قایم به اویند. نسبت دادن شر به

وی محال است. شر و بدی هائی هم که در مخلوق هست در عدم انتسابشان به وی شناخته می شوند. فعل و خلق منتسب به وی خیر محض است. تحقیق درباره این بحث مهم به طور کامل در کتاب ابن قیم موسوم به «شفاء العلیل فی مسائل القضاء والقدر والتعلیل» (ص ۱۷۸-۲۰۶) آمده است که می توان بدان مراجعه کرد».

خواننده محترم!

طوری که گفته آمدیم، عقیده اسلامی بر آنست که: الله هرگز شر صادر نمی شود و به رسول الله صلی الله علیه وسلم در هنگام وفات پسرشان ابراهیم فرمودند: « لیبلیک وسعدیک والخیر کله ببیدیک والشر لیس الیک» پس چرا ما می گوئیم همه خیر و شر از طرف الله است؟

الله متعال خالق همه چیز است، چه خیر و چه شر فقط الله است آن را می آفریند و تا اراده نکند نه خیری به ما می رسد و نه شری، پس الله متعال خالق همه چیز است، چنان که می فرماید: « قُلِ اللهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّانُ» (سوره رد ۱۶). یعنی: بگو: «خدا خالق همه چیز است، و اوست یکتا و پیروز».

خیر و شر هر دو مخلوق خدایند، با این وجود الله متعال از شر و گناه خشنود نیست، چنان که می فرماید: «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَاهُ لَكُمْ» (سوره زمر ۷). یعنی: «اگر کفر ورزید، بدانید که خدا از شما بی نیاز است» یعنی: حق تعالی از ایمان و عمل شما بی نیاز است و این شما هستید که به او نیازمندید زیرا شما هستید که از کفر، زیان و از ایمان نفع می برید. «ولی» حق تعالی «برای بندگانش کفر را نمی پسندد» لذا به کفر امر هم نمی کند، هر چند که همه چیز به اراده اوست و خواسته شما نافذ نیست مگر در صورتی که خدا خود بخواهد پس مشیت خداوند چیزی است و پسند و محبت و امر وی چیز دیگری «و اگر سپاس دارید» با ایمان، عبادت و عمل صالح «آن را برای شما می پسندد» دلیل این که حق تعالی شکر و سپاس را برای بندگان خویش می پسندد، این است که: شکر سبب سعادت و خوشبختی آنها در دنیا و آخرت است. الله خیر را می آفریند و برای کسی که آن را بطلبد راضی و خشنود است و او تعالی شر را می آفریند، ولی برای کسی که آن را بطلبد راضی و خشنود نیست.

یعنی در ارتکاب بنده امر خیر اراده و رضای الله تعالی است و اما در شر که انتخاب بشر است صرف اراده الله تعالی است. این امتحان و ابتلاء دنیوی که کل فلسفه وجودی بشر درین عالم فانی است و الله تعالی به علم ازل خویش از انتخاب خیر و شر بنده آگاهی دارد، متعلق به تصمیم و انتخاب بنده بوده و خود بنده در روشنی هدایات و پیغام رسیده از جانب الله توسط پیغمبران برای بنده ها و عقل سلیم بنده برای انتخاب خیر و شر، جوابگوی خود بنده میباشد و به آن خود بنده ضرورت دارد نه الله تعالی.

پس درست است که الله متعال آفریننده و خالق شر است، اما اعمال او تعالی شر نیستند، به عبارتی از اعمال الهی شری صادر نمی شود و مرتکب شر نمی شود بلکه بندگانش مرتکب آن می شوند یعنی با اعمالشان آن را کسب می کنند. چنانچه گفته آمدیم از آنجائی که سنت الهی بر آنست که انسانها در میدان آزمایش قرار بگیرند و اختیار داشته باشند تا راه شر و یا خیر را ببیمایند، ممکن است کسانی به اختیار خویش شر را بطلبند و الله متعال است که آن عمل (شر) را برایشان می آفریند ولی آنها هستند که شر را کسب کردند و الله متعال به عمل شر و انتخاب شر آنها راضی و خشنود نیست، اما سنت او مبنی بر مختار بودن انسانها مقتضی آنست که شر و خیر را برای بندگانش بیافریند تا در انتخاب آزاد باشند و از عمل کرد خویش نیز پاداش داشته باشند.

ادامه دارد